



The Relationship Between Self-Differentiation and Early Maladaptive Schemas with Marital Satisfaction of Divorced Women

Ashkan Falehkar ¹, Zahra Bordan ², Mona Danaee Kosha ³, Omid Amani ⁴, Nasire Moghadamfar ^{5,*} 

¹ MA in Clinical Psychology, Department of Psychology, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran

² MA in Family Counseling, Department of Family Counseling, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

³ MA in Personality Psychology, Department of Psychology, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

⁴ Ph.D Student of Clinical Psychology, Department of clinical & Health Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

⁵ Ph.D Student of Psychology, Department of Psychology, Science and Research Branch, Tehran, Islamic Azad University, Tehran, Iran

* **Corresponding author:** Nasire Moghadamfar, Department of Psychology, Science and Research Branch, Tehran, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: Nasireh.moghadam@gmail.com

Received: 26 May 2018

Accepted: 09 Aug 2019

Abstract

Introduction: Marital satisfaction is a condition of a lasting satisfaction in the relationship between husband and wife, which predicts a sense of happiness in relationships. The aim of this study was to The Relationship between self-differentiation and early maladaptive schemas with marital satisfaction of divorced women.

Methods: This descriptive correlational study and research is one. The statistical population of the study consisted of all women referring to judicial complexes in Tehran from May to 2018, whose divorce cases were ongoing until the research was completed. The sample included 225 women from this group. The data were collected using purposeful sampling method. The data were collected using Enrique's paired questionnaire, self-differentiation scale and Young's Schema Questionnaire. Data were analyzed using Pearson correlation coefficient and multivariate regression stepwise using SPSS software. V22 was analyzed.

Results: The results showed that the correlation between the subscales of the initial maladaptive schemas and the marital satisfaction components was significant, and the differentiation variable had a significant relationship with the components of marital satisfaction ($P < 0.01$). The stepwise regression findings also indicated that the variables of the maladaptive schemas in the regression model were about 36.6% of the variance of marital satisfaction variable and the variables of their differentiation in the proposed model were about 1.8% of variance of marital satisfaction variable Explaining.

Conclusions: According to the findings of this study, it can be concluded that by controlling the early maladaptive schemas and increasing the differentiation of women with incompatibility and low marital satisfaction, there can be significant effects on marital satisfaction and decreasing tendency toward divorce. Therefore, it is necessary to provide treatment interventions in order to reduce the early maladaptive schemas and to increase the differentiation of female applicants for divorce.

Keywords: Distinction, Initial Maladaptive Schemas, Marital Satisfaction, Divorce

© 2020 Iranian Nursing Scientific Association (INA)



ارتباط تمایز یافتگی خود و طرحواره های ناسازگار اولیه با رضایت زناشویی زنان متقاضی طلاق

اشکان فعله کار^۱، زهرا بردن^۲، منا دانایی کوشا^۳، امید امانی^۴، نصیره مقدم فر^{۵*} 

^۱ کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

^۲ کارشناس ارشد مشاوره خانواده، گروه مشاوره خانواده، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۳ کارشناس ارشد روانشناسی شخصیت، گروه روانشناسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۴ دانشجوی دکتری روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی بالینی و سلامت، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

^۵ دانشجوی دکتری روانشناسی، گروه روانشناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: نصیره مقدم فر، گروه روانشناسی بالینی و سلامت، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

ایمیل: Nasireh.moghadam@gmail.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۸/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۳/۰۵

چکیده

مقدمه: رضایت زناشویی به حالتی از خشنودی پایدار در رابطه بین زن و شوهر اطلاق می شود که احساس شادمانی در روابط را پیش بینی می کند. این مطالعه با هدف بررسی ارتباط تمایز یافتگی خود و طرحواره های ناسازگار اولیه با رضایت زناشویی زنان متقاضی طلاق انجام گرفت.

روش کار: این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی بود. جامعه آماری پژوهش را کلیه زنان مراجعه کننده به مجتمع های قضایی شهر تهران از اردیبهشت تا دی ماه سال ۱۳۹۶ تشکیل دادند که پرونده طلاق آنان تا زمان انجام پژوهش در جریان بود. نمونه پژوهش نیز ۲۲۵ از این گروه زنان تشکیل می دادند. برای جمع آوری اطلاعات، از روش نمونه گیری هدفمند استفاده شده و داده های پژوهش با استفاده از پرسشنامه های زوجی انریچ، مقیاس تمایز یافتگی خود و پرسشنامه طرحواره های یانگ گردآوری شد که از روایی و پایایی مناسبی برخوردار بودند. داده های پژوهش با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره گام به گام و به کمک نرم افزار تحلیل آماری SPSS. V22 تجزیه و تحلیل گردید.

یافته ها: نتایج بدست آمده نشان داد که ارتباط بین زیر مقیاس های طرحواره های ناسازگار اولیه با مولفه های رضایت زناشویی معنادار بوده و متغیر تمایز یافتگی نیز رابطه معنی داری با مولفه های رضایت زناشویی دارد ($P < 0/01$) یافته های رگرسیون گام به گام نیز نشان دهنده این بود که مولفه های متغیر طرحواره های ناسازگار در مدل رگرسیون در حدود ۳۶/۶ درصد از واریانس متغیر رضایت زناشویی و مولفه های متغیر تمایز خود در مدل ارائه شده در حدود ۸/۱ درصد از واریانس متغیر رضایت زناشویی را تبیین می کنند.

نتیجه گیری: با توجه به یافته های مطالعه حاضر، پیشنهاد می شود با کنترل طرحواره های ناسازگار اولیه و افزایش تمایز یافتگی زنان دارای ناسازگاری و رضایت زناشویی پایین، می توان تأثیر مهمی بر افزایش رضایت زناشویی و کاهش گرایش به طلاق داشت. لذا ضروری است که با ارائه مداخلات درمانی در جهت کاهش طرحواره های ناسازگار اولیه و افزایش تمایز یافتگی خود زنان متقاضی طلاق اقدام گردد.

کلیدواژه ها: تمایز یافتگی، طرحواره های ناسازگار اولیه، رضایت زناشویی، زنان متقاضی طلاق

تمامی حقوق نشر برای انجمن علمی پرستاری ایران محفوظ است.

مقدمه

پیشرفت، وجود کشمکش، تعارض در روابط زناشویی و پایین بودن سطح رضایت زناشویی علاوه بر داشتن آثار مخرب بر زوجها و فرزندان، ساختار جامعه را نیز تحت تأثیر قرار داده و اثرات مخربی را بر پیکیره جامعه وارد می سازد. [۳] از جمله بحران های جدی در حوزه خانواده، طلاق و جدایی زوجین می باشد که عوارض و پیامدهایی بسیاری را از

خانواده واحدی اجتماعی فرض می شود که تغییرات در بافت آن می تواند تغییرات ساختاری در اجتماع را در پی داشته [۱] و پیوند زناشویی از جمله مهم ترین تصمیمات زندگی است که می تواند در رشد و شکوفایی توانایی ها و تأمین نیازهای هر یک از افراد خانواده مؤثر واقع شده و آرامش روانی آنها را فراهم سازد. [۲] در کنار این آرامش و امکان

کودکی به وجود می‌آیند که از جمله این نیازها: نیاز به دلبستگی ایمن به دیگران، خودگردانی، کفایت و هویت، آزادی در بیان نیازها و هیجان‌های سالم، خودانگیختگی و تفریح و محدودیت‌های واقع بینانه و خویشتن داری می‌باشد [۲۲]. یانگ و همکاران [۲۰] مطابق با ۵ نیاز تحولی در انسان‌ها، هیجده طرحواره ناسازگار اولیه را در ۵ حوزه شناسایی کرده‌اند که عبارتند از حوزه بریدگی و طرد، حوزه خودگردانی و عملکرد مختل، حوزه محدودیت‌های مختل، حوزه دیگر جهت مندی و حوزه گوش به زنگی بیش از حد و بازداری. از این روی محققان معتقدند که باورها و طرحواره‌های مربوط به روابط میان فردی بزرگسالی در همسرگزینی و روابط زناشویی نمود یافته و بر آن تأثیر زیانبار می‌گذارند [۲۳].

همچنین طرحواره‌ها به واسطه ارتباط و تأثیری که بر سبک دلبستگی، اختلال‌های شخصیت و اختلال‌های خلق می‌گذارند. [۱۸] می‌توانند تأثیری غیرمستقیم نیز بر روابط زناشویی داشته باشند. در پژوهشی هم که بک و امری [۲۴] انجام دادند، رابطه معنی دار طرح واره های ناسازگار اولیه و از هم پاشیدگی خانوادگی نشان داده شد. یانگ و گلووسکی [۲۲] نیز دریافتند که در همسران، افزون بر طرحواره‌های اولیه که در زمینه روابط زناشویی پدید می‌آیند، در روابط کنونی آنها هم طرحواره‌هایی شکل می‌گیرند؛ چنان که در روابط دو نفر نیازهای طرحواره اولیه برآورده نشوند و یا طرحواره اولیه با طرحواره کنونی ناهماهنگ باشد، موجب ناسازگاری میان همسران و در نهایت طلاق می‌شود.

استلیز [۲۵] نیز نشان داد که طرحواره ناسازگار اولیه محرومیت هیجانی و نارسایی پیش بینی کننده روابط صمیمی و عاشقانه کمتر در همسران است. ربیس الساداتی و همکاران [۲۶] نیز در پژوهشی با موضوع بررسی رابطه طرحواره های ناسازگار اولیه و تمایز یافتگی با میزان سازگاری زناشویی نشان داد که می‌توان با طرحواره‌های ناسازگار اولیه و نیز تمایز یافتگی، میزان سازگاری زناشویی را پیش بینی نمود. بلیاد و همکاران [۲۷] در پژوهش خود به بررسی نقش خانواده اصلی در تمایز خود و تعارضات زناشویی در بین ۲۰۷ دانشجوی متأهل پرستاری و مامایی پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که بین تعارضات زناشویی و تمایز خود رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین تفاوت معناداری بین تعارضات زناشویی و تمایز خود در خانواده‌های با کارکرد سالم و ناسالم می‌باشد. با در نظر داشتن مطالعات صورت گرفته از یک سو می‌توان دریافت که طرحواره‌های ناسازگار اولیه به عنوان یکی از پیش‌بین کننده‌های رضایت زناشویی به حساب می‌آید، اما نقش تمایز یافتگی در رضایت زناشویی چندان مورد توجه نبوده است و از سوی دیگر نیز مطالعه‌ای که بررسی نقش پیش بینی کننده این دو متغیر در زنان متقاضی طلاق انجام گرفته و در فضای علمی منتشر شده باشد یافت نگردید، لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط تمایز یافتگی خود و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با رضایت زناشویی زنان متقاضی طلاق انجام گرفت.

روش کار

پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش را کلیه زنان مراجعه کننده به مجتمع‌های قضایی شهر تهران در اردیبهشت تا دی ماه سال ۱۳۹۶ تشکیل می‌دهند که پرونده طلاق

خود بر جای می‌گذارد که از جمله این مشکلات، می‌توان به مواردی همچون خطر انواع آسیب‌های روانی، شیوع فزاینده بیماری‌های جسمانی، احتمال خودکشی، خشونت، خطر قتل برای زوجین و افسردگی در بزرگسالان و مواردی همچون انزوا، شایستگی پایین، مشکلات تندرستی و عملکرد تحصیلی پایین برای فرزندان اشاره نمود [۴، ۵].

طلاق فرآیندی است که با تجربه بحران عاطفی هر دو زوج شروع شده و آنها را به موقعیتی جدید با نقش‌ها و سبک زندگی متفاوت منتقل می‌کند [۶]. این پدیده از جمله پراسترس‌ترین وقایعی است که شناخت افراد را مختل کرده و فروپاشی فردی، خانوادگی و اجتماعی را در پی دارد. [۷] طبق گزارش منتشر شده از آمار ثبت احوال کشور، از هر ۴/۴ مورد ازدواج در سال ۹۳، یک مورد طلاق ثبت شده است، در صورتی که در سال ۹۲ این تناسب پنج به یک بوده است. آنچه از این گزارشات می‌توان نتیجه گرفت این است که نرخ طلاق در کشور با گذشت زمان افزایش یافته و به معضلی اساسی برای جامعه تبدیل شده است. ایران به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه، رتبه چهارم طلاق را در جهان به خود اختصاص داده که این زنگ خطری برای جامعه و خانواده‌ها قلمداد می‌شود. [۸] مطابق با مطالعات صورت گرفته، میزان آسیب پذیری زنان مطلقه از پیامدهای اجتماعی طلاق بیشتر از مردان بوده و توجه به عوامل مرتبط به رضایت زناشویی و کشف تبیین کنندگان این عامل از جمله مهم‌ترین اولیتهای پژوهش در حوزه طلاق می‌باشد [۹-۱۳].

از جمله مفاهیم اساسی نظریه نظام‌های خانواده بوئن، مفهوم تمایز یافتگی است. تمایز یافتگی اشاره به توانایی ایجاد تعادل بین نیروهای عقلی و فرایندهای عاطفی در سطح درون روانی و ایجاد تعادل بین حفظ فردیت همراه با تجربه صمیمیت در سطح بین فردی دارد [۱۴، ۱۵]، که می‌توان آن را یکی از شاخص‌های کلیدی عملکرد خانواده دانست. به اعتقاد میلر و همکاران [۱۶] پیامد عمده سطح پایین تمایز یافتگی، تجربه اضطراب مزمن توسط اعضای خانواده می‌باشد. به اعتقاد لانگ و یونگ [۱۷] نیز شدت واکنش افراد به این اضطراب مبتنی بر این است که چطور خانواده اصلی فرد، اضطراب را انتقال می‌دهد. لذا می‌توان دریافت که تمایز خود به عنوان یک عامل مهم و مؤثر بر ساختار خانواده بوده و اثرات عمیقی را در روابط زناشویی دارد. همسو با تمایز یافتگی، از دیگر پیش بینی کننده‌های کارکرد خانواده و رضایت زناشویی، می‌توان به نقش طرحواره‌های ناسازگار اولیه اشاره نمود.

یانگ [۱۸] طرحواره‌های ناسازگار اولیه را موضوعاتی ثابت، فراگیر و پایداری می‌داند که از خاطرات، هیجان‌ها، شناخت‌ها و احساس‌های بدنی تشکیل شده‌اند. این طرحواره‌ها، اطلاعات مربوط به رابطه بین فرد و محیط را تحریف، و افکار خودکار منفی را فعال می‌کنند، که در نهایت نگرش‌ها و پردازش شناختی ناهنجار را در پی دارند. یانگ معتقد است هر کدام از علایم آسیب شناسی روانی با یک یا تعداد بیشتری از طرحواره‌های اولیه مرتبط است. [۱۹] طرحواره‌های ناسازگار، باعث تحریک افکار خودآیند منفی شده و ناراحتی روانی شدیدی را با خود به همراه می‌آورند. [۲۰] در همین راستا، مارمون [۲۱] در پژوهشی عنوان کرده‌اند که طرحواره‌های ناسازگار اولیه مکانیسم‌های ناکارآمدی هستند که به صورت مستقیم به پریشانی روان شناختی می‌انجامند. این طرحواره‌ها به دلیل ارضا نشدن نیازهای هیجانی اساسی دوران

۰،۸۶، ۰،۸۱، و ۰،۹۰، ۰،۹۲ بوده است و ضریب آلفای پرسشنامه در پژوهش آسوده [۳۰] با تعداد ۳۶۵ زوج (۷۳۰ نفر) به ترتیب برابر با ۰،۶۸، ۰،۷۸، ۰،۶۲ و ۰،۷۷ به دست آمد. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ مقیاس زوجی انریچ برابر با ۰/۹۱ به دست آمده است، که نشان دهنده سنجش همسانی درونی بسیار بالای پرسشنامه است.

پرسشنامه تمایز یافتگی خود

این پرسشنامه دارای ۴۵ آیتم بوده و توسط اسکورون و فریدلندر در سال ۱۹۹۸ ساخته شده است و شامل ۴ خرده مقیاس واکنش پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و هم آمیختگی با دیگران بوده و در طیف لیکرت ۶ درجه ای پاسخ داده می شود [۳۱]. خرده مقیاس واکنش پذیری عاطفی (۱۱ ماده) بازتاب دهنده درجه ای است که فرد به محرک محیطی با حساسیت بیش از حد یا با تغییرپذیری عاطفی پاسخ می دهد. خرده مقیاس جایگاه من (۱۱ آیتم) که در کنار تعریف واضح حس خود، میزان وفاداری به عقاید شخصی را در زمانی که فرد مجبور به انجام خلاف عقاید خود است، مشخص می کند. خرده مقیاس گریز عاطفی (۱۲ آیتم) نشان دهنده احساس ترس از صمیمت و احساس آسیب پذیری بیش از حد در ارتباط با دیگران است و خرده مقیاس هم آمیختگی با دیگران (۹ آیتم)، نشان دهنده درگیری در روابط بیش از حد عاطفی با دیگران می باشد. نتایج تحقیقات، اعتبار و روایی بالایی را برای این پرسش نامه نشان داده اند. آلفای کرونباخ محاسبه شده برای تمایز یافتگی کلی ۰،۸۸ و برای خرده مقیاس ها به ترتیب ۰،۶۳، ۰،۷۵، ۰،۶۰ و ۰،۷۰ است. در پژوهش اسکیان [۳۲] ضریب آلفای کرونباخ ۰،۸۱ به دست آمد که پایایی بالای این پرسش نامه را نشان می دهد.

پرسشنامه طرحواره یانگ - فرم کوتاه (YSQ-SF)

این پرسشنامه ۷۵ سؤال داشته و برای سنجش ۱۵ طرحواره ناسازگار اولیه شناختی شامل محرومیت هیجانی، رهاشدگی/ بی ثباتی، بی اعتمادی/ بدرفتاری، انزوای اجتماعی/ بیگانگی، نقص/ شرم، شکست، وابستگی/ بی کفایتی، آسیب پذیری به ضرر، گرفتاری/ در دام افتادگی، اطاعت، از خود گذشتگی، بازداري هیجانی، معیارهای سرسختانه/ عیب جویی افراطی، استحقاق/ بزرگ منشی و خویشترداری/ خود انضباطی ناکافی طراحی شده است. هر یک از ۷۵ عبارت این پرسشنامه در مقیاس لیکرت ۶ درجه ای نمره گذاری می شود. نمره فرد در هر طرحواره با جمع نمرات سؤالات مربوط به آن طرحواره حاصل می شود. نمره بالا نشان دهنده حضور پررنگ تر طرحواره ناکارآمد است. این پرسشنامه توسط یانگ و براون طراحی شد و فرم بلند آن ۲۰۵ سؤال داشت [۲۲]. در سال ۱۹۹۸ فرم کوتاه جهت تسهیل کار به ویژه در حوزه پژوهش ایجاد شد. در مطالعه ولبرن و همکاران (۲۰۰۲) کلیه خرده مقیاس های پانزده گانه فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره از همسانی درونی کافی تا بسیار خوبی برخوردار بودند [۳۳] آلفای کرونباخ همه طرحواره ها (۰/۷۶ تا ۰/۹۳) محاسبه شد. در مطالعه فاتحی زاده و عباسیان که به منظور اعتبار یابی پرسشنامه طرحواره های شناختی روی دانشجویان اصفهان انجام شد پایایی پرسشنامه به روش همسانی درونی از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹۴ بدست آمد [۳۴]. آلفای کرانباخ پرسشنامه طرحواره های یانگ در پژوهش حاضر ۰/۹۴ گزارش می شود که حاکی از پایایی و همسانی درونی بسیار بالای آزمون می باشد.

آنان تا زمان انجام پژوهش در جریان بود. نمونه پژوهش نیز با استفاده از فرمول پیشنهادی تاباچنیک و فیدل ۲۲۵ و با بیش برآورد ۲۵۰ نفر تعیین گردید. برای جمع آوری اطلاعات، از روش نمونه گیری هدفمند استفاده شد. روش انجام پژوهش نیز بدین صورت بود که با مراجعه با دادگاه های خانواده سطح شهر تهران و انتخاب هدفمند زنان متقاضی طلاق که در سالن های انتظار دادگاه در حال سپری نمودن روند اداری مربوط به دادخواست طلاق خویش بودند، نخست هدف پژوهش توسط پژوهشگران برای آزمودنی ها تشریح گردیده و پس از جلب رضایت شرکت در پژوهش و سنجش معیارهای ورود (۱). مراجعه به دادگستری در بازه زمانی پژوهش؛ ۲. توانایی خواندن و نوشتن، ۳. رضایت آگاهانه شرکت در پژوهش و خروج (وجود هرگونه بیماری های روانپزشکی مؤثر بر سلامت روان افراد؛ ۲. عدم رضایت شرکت در پژوهش) نسبت به تکمیل پرسشنامه های پژوهش اقدام گردید. ملاحظات اخلاقی پژوهش در برگزیده مواردی همچون ارائه اطلاعات لازم در مورد پژوهش و حق انتخاب آزاد شرکت در پژوهش، دریافت فرم رضایت آگاهانه شرکت در پژوهش از کلیه آزمودنی ها، ثبت اطلاعات بدون نام و اطلاعات شناساننده آزمودنی ها بود. جهت گردآوری داده ها از مقیاس زوجی انریچ، آزمون تمایز یافتگی خود مقیاس طرحواره های یانگ استفاده شد. داده های پژوهش با استفاده از روش های آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و استنباطی (همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره گام به گام) و به کمک نرم افزار تحلیل آماری SPSS. V22 تجزیه و تحلیل گردید.

ابزار

مقیاس زوجی انریچ

فورز و السون (۱۹۸۹) از این پرسشنامه، برای بررسی رضایت زناشویی استفاده کرده و معتقدند که این مقیاس نسبت به تغییراتی که در خانواده به وجود می آید حساس است [۲۸]؛ این پژوهشگران با استفاده از نمونه گیری تصادفی در تحقیق ملی با ۵۰۳۹ زوج نشان دادند که با استفاده از این پرسشنامه می توان با دقت ۹۵-۸۵ بین زوجین خرسند و ناخرسند تمایز قائل شد [۲۹]. هر یک از موضوعات این پرسشنامه، در ارتباط با یکی از زمینه های مهم است. ارزیابی این زمینه ها در درون یک رابطه زناشویی، می تواند مشکلات بالقوه زوج ها را توصیف کرده و یا می تواند زمینه های نیرومندی و تقویت آنها را مشخص نماید. این ابزار همچنین می تواند به عنوان یک ابزار تشخیصی برای زوج هایی که در جستجوی مشاوره زناشویی و به دنبال تقویت رابطه زناشویی خود هستند، استفاده شود. این مقیاس دارای ۳۵ ماده و شامل ۴ خرده مقیاس می باشد که می تواند به عنوان یک ابزار تحقیق از جمله رضایت، ارتباطات، و حل تعارض استفاده گردد. طیف نمره گذاری این مقیاس بر اساس طیف لیکرت بوده و به صورت پنج گزینه ای (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) می باشد که نمرات ۱ تا ۵ را در بر می گیرد. مقیاس های این پرسشنامه به شرح شامل: تحریف آرمانی، رضایت زناشویی، ارتباطات و حل تعارض. پرسشنامه زوجی انریچ توسط دیوید السون و امی السون در سال ۲۰۰۰ روی ۲۵۵۰۱ زوج متأهل اجرا شد. ضریب آلفای پرسشنامه برای خرده مقیاس های رضایت زناشویی، ارتباط، حل تعارض، و تحریف آرمانی به ترتیب از این قرار است: ۰،۸۶، ۰،۸۰، ۰،۸۴ و ۰،۸۳ و اعتبار بازآزمایی پرسشنامه برای هر خرده آزمون به ترتیب:

یافته‌ها

نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی نشان داد که از بین افراد تعداد کل افراد نمونه پژوهش حاضر، ۸۱٪ (۱۹۹ نفر) از آنها دارای تحصیلات دانشگاهی بوده و ۱۹٪ (۵۱) دارای تحصیلات غیر دانشگاهی بودند.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی نمره آزمودنی‌ها در متغیرهای پژوهش

مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف استاندارد
محرومیت هیجانی	۸,۱۷	۲,۸۴
رها شدگی / بی‌ثباتی	۹,۱۴	۲,۸۸
بی‌اعتمادی / بد رفتاری	۱۱,۰۱	۳,۱۶
انزوای اجتماعی / بیگانگی	۷,۶	۲,۷۳
نقص / شرم	۷,۰۱	۲,۰
شکست	۹,۰۲	۲,۸۶
وابستگی / بی‌کفایتی	۷,۰۸	۲,۰۱
آسیب‌پذیری در برابر ضرر و بیماری	۱۱,۷۵	۳,۸۰
گرفتار / خویشتن تحول نیافته	۸,۲۸	۲,۹۸
اطاعت	۹,۲۰	۲,۶۳
ایثارگری	۱۱,۸۳	۲,۹۷
بازداری هیجانی	۸,۱۶	۲,۸۹
معیارهای سرسختانه	۱۲,۴۴	۲,۶۴
استحقاق / بزرگ منشی	۱۱,۷۱	۳,۶
خویشتن داری / خود انضباطی ناکافی	۱۱,۱۹	۳,۴۲
تمایز یافتگی خود		
واکنش‌پذیری عاطفی	۳,۳۸	۵۶۱,۰
جایگاه من	۳,۵۶	۶۶,۰
گریز عاطفی	۳,۴۱	۷۳,۰
هم آمیختگی با دیگران	۳,۱۹	۶۶,۰
واکنش‌پذیری عاطفی	۳,۳۸	۵۶۱,۰
رضایت زناشویی		
رضایت زناشویی	۲۵,۶۴	۴,۳۱
ارتباطات	۲۶,۷۵	۵,۵۲
حل تعارض	۲۶,۰۱	۵,۳۹
تحریف آرمانی	۱۳,۳۹	۴,۱۸
نمره کل	۹۱,۸۱	۱۴,۲۹

اساس نتایج به دست آمده از جدول فوق نیز میانگین مولفه‌های متغیر رضایت زناشویی در افراد گروه در ابعاد رضایت زناشویی ($4,31 \pm$), ارتباطات ($5,52 \pm 26,75$), حل تعارض ($5,39 \pm 26,01$), تحریف آرمانی ($4,18 \pm 13,39$) و نمره کل رضایت زناشویی ($14,29 \pm 91,81$) نمونه ارزیابی شده است. به منظور بررسی رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با تمایز یافتگی خود با رضایت زناشویی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن دهنده آن بود که بین شاخص‌های متغیرهای طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تمایز خود با رضایت زناشویی همبستگی معنی‌داری وجود دارد. به منظور بررسی نقش بین‌کنندگی متغیرها از رگرسیون گام به گام استفاده شد. نتایج معناداری مدل رگرسیون گام به گام برای بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تمایز بر رضایت زناشویی در جداول زیر ارائه شده است. قبل از بررسی همبستگی مذکور و در ادامه تحلیل رگرسیون، پیش‌فرض‌های نرمال بودن با استفاده از آزمون کولموگوروف – اسمیرنوف، خطی بودن مورد بررسی و تأیید قرار گرفت.

جدول ۱ میانگین و انحراف معیار نمره آزمودنی‌ها در مولفه‌های طرحواره ناسازگار اولیه، تمایز یافتگی خود و رضایت زناشویی را نشان می‌دهد. همانطور که در جدول فوق نیز ملاحظه می‌گردد، میانگین و انحراف معیار در مولفه‌های محرومیت هیجانی ($8,17 \pm 2,84$), رهاشدگی / بی‌ثباتی ($9,14 \pm 2,88$), بی‌اعتمادی / بد رفتاری ($11,01 \pm 3,16$), انزوای اجتماعی / بیگانگی ($7,6 \pm 2,73$), نقص / شرم ($7,01 \pm 2,0$), شکست ($9,02 \pm 2,86$), وابستگی / بی‌کفایتی ($7,08 \pm 2,01$), آسیب‌پذیری در برابر ضرر و بیماری ($11,75 \pm 3,80$), گرفتار / خویشتن تحول نیافته ($8,28 \pm 2,98$), اطاعت ($9,20 \pm 2,63$), ایثارگری ($11,83 \pm 2,98$), بازداری هیجانی ($8,16 \pm 2,89$), معیارهای سرسختانه ($12,44 \pm 2,64$), استحقاق / بزرگ منشی ($11,71 \pm 3,06$) و خویشتن داری / خود انضباطی ناکافی ($11,19 \pm 3,42$) بدست آمد. در تمایز یافتگی خود نیز نتایج بدست آمده نشان دهنده این بود که در میانگین و انحراف معیار بعد واکنش‌پذیری عاطفی ($3,38 \pm 0,56$), جایگاه من ($3,56 \pm 0,66$), گریز عاطفی ($3,41 \pm 0,73$) و مؤلفه هم آمیختگی با دیگران نیز ($3,19 \pm 0,66$) بود. بر

زناشویی دارد. به عبارت دیگر این نتیجه نشان می‌دهد که ضرایب رگرسیون معنادار است و شواهد کافی برای تأیید فرضیه وجود دارد (جدول ۲).

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون متغیرهای طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تمایز یافتگی نشان داد که رگرسیون رضایت زناشویی از روی مؤلفه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه، از لحاظ آماری معنادار است ($P < 0/100$) و این مؤلفه‌ها تأثیر معناداری در تبیین واریانس رضایت

جدول ۲. نتایج ضرایب رگرسیون چندگانه رضایت زناشویی از روی مؤلفه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه

Sig	T	ضرایب استاندارد بتا	ضرایب غیر استاندارد	
			B	خطای ضرایب غیر استاندارد
۰/۰۰۰	۲۱/۰۱۶		۹۶/۷۶۹	۴/۶۰۵
۰/۰۰۷	-۲/۷۲۱	-۰/۱۷۲	-۰/۶۴۵	۰/۲۳۷
۰/۰۰۷	۲/۷۰۴	۰/۱۸۹	۰/۹۳۴	۰/۳۴۵
۰/۰۰۰	-۳/۸۳۵	-۰/۲۵۲	-۰/۹۹۷	۰/۲۶۰
۰/۰۰۰	۴/۴۵۷	۰/۳۵۸	۱/۸۷۴	۰/۴۲۰
۰/۰۰۰	-۳/۹۶۱	-۰/۲۶۳	-۱/۸۷۷	۰/۴۷۴
۰/۰۰۰	۳/۵۳۷	۰/۲۲۳	۱/۲۰۲	۰/۳۴۰
۰/۰۱۳	-۲/۴۹۴	-۰/۱۶۴	-۰/۶۸۷	۰/۲۷۵
۰/۰۱۱	-۲/۵۵۳	-۰/۱۷۱	-۰/۵۰۸	۰/۱۹۹
۰/۰۴۶	۲/۰۰۷	۰/۱۲۷	۰/۶۳۶	۰/۳۱۷
۰/۳۶۶		R2	۰/۶۰۵	

زناشویی تأثیر معناداری دارد به طوری که با هر واحد تغییر در واریانس متغیر رضایت زناشویی به اندازه ۰/۳۵۸ در واریانس رضایت زناشویی تغییر ایجاد می‌گردد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان می‌دهد که مؤلفه‌های گرفتار خویشتن/ تحول یافتگی، رها شدگی، بی اعتمادی، شکست، وابستگی/ بی کفایتی و اطاعت اثر معنی‌داری در تبیین واریانس متغیر رضایت زناشویی ندارد.

با توجه به میزان R2 موجود در جدول فوق می‌توان نتیجه گرفت که مؤلفه‌های متغیر طرحواره‌های ناسازگار در مدل فوق در حدود ۳۶/۶ درصد از واریانس متغیر رضایت زناشویی را تبیین می‌کند. مقدار بتا نیز در مدل ارائه شده نشان دهنده میزان تبیین واریانس متغیرهای پیش بین، روی ملاک است. بر اساس همین ضرایب استاندارد بتا متغیر طرحواره‌های ناسازگار اولیه در پیش بینی و تبیین واریانس رضایت

جدول ۳. نتایج ضرایب رگرسیون چندگانه رضایت زناشویی از روی مؤلفه‌های تمایز خود

Sig	T	ضرایب استاندارد بتا	ضرایب غیر استاندارد	
			B	خطای ضرایب غیر استاندارد
۰/۰۰۰	۲۳/۸۸۲		۱۱۳/۵۴۰	۴/۷۵۴
۰/۰۰۰	-۴/۶۴۹	-۰/۲۸۵	-۶/۱۰۳	۱/۳۱۳
۰/۰۰۰	-۹/۱۷۰	-۰/۶۰۴	-۰/۷۳۸	۰/۰۸۰
۰/۰۸۱		R2	۰/۲۸۵ ^a	

طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تمایز یافتگی خود آنها رابطه معنی‌داری وجود دارد و مؤلفه‌های طرحواره‌های ناسازگار و تمایز یافتگی خود به عنوان یکی از متغیرهای مهم پیش بینی کننده رضایت زناشویی زنان متقاضی طلاق می‌باشند. این یافته‌ها را می‌توان همسو با مطالعات یدیریر و هامارتا (۲۰۱۵)؛ میلر و همکاران (۲۰۱۳)؛ خان و آفتا (۲۰۱۳)؛ یانگ و گلوگو (۲۰۰۳)؛ چانگ و همکاران (۲۰۰۶)؛ بیرامی و همکاران (۱۳۹۱) (۱۰-۱۳، ۱۵، ۲۲) دانست. در زمینه خصوصیات طرحواره‌های ناسازگار اولیه باید اذعان داشت که وقتی گفته می‌شود فردی طرحواره‌ای دارد به این معنا نیست که طرحواره همیشه فعال است، بلکه طرحواره صفتی است که ممکن است در یک لحظه خاص فعال نباشد و به هنگام عدم وجود عوامل فعال ساز محیطی بهبود یافته و یا برانگیخته نشود. همچنین بسته به این که افراد با توجه به خلق و خوی خود از چه سبک مقابله‌ای برای پاسخ به طرحواره برای کاهش درد ناشی از آن استفاده می‌کنند می‌توانند رفتارهای متفاوتی را نشان دهند. از نظر یانگ، آسیب‌زا و قدرتمندترین طرحواره‌ها، چهار طرحواره رهاشدگی، بی‌ثباتی، بی اعتمادی/ بد رفتاری، محرومیت هیجانی و نقص/ شرم می‌باشند. در دسته

با توجه به میزان R2 موجود در جدول ۳ می‌توان نتیجه گرفت که مؤلفه‌های متغیر تمایز خود در مدل ارائه شده در حدود ۸/۱ درصد از واریانس متغیر رضایت زناشویی را تبیین می‌کند. مقدار بتا نیز در مدل ارائه شده نشان دهنده میزان تبیین واریانس متغیرهای پیش بین، روی ملاک است. بر اساس همین ضرایب استاندارد بتا متغیر تمایز خود در پیش بینی و تبیین واریانس رضایت زناشویی تأثیر معناداری دارد به طوری که با هر واحد تغییر در واریانس متغیر کیفیت زناشویی به اندازه ۰/۶۰۴ - در واریانس رضایت زناشویی تغییر ایجاد می‌گردد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان می‌دهد که مؤلفه‌های واکنش‌پذیری هیجانی و گریز عاطفی اثر معنی‌داری در تبیین واریانس متغیر رضایت زناشویی ندارد.

بحث

این مطالعه با هدف بررسی رابطه بین تمایز یافتگی خود و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با رضایت زناشویی زنان متقاضی طلاق انجام گردید. نتایج پژوهش نشان داد که بین رضایت زناشویی زنان متقاضی طلاق با

افزایش یابد. اکنون در بافت خانواده‌ها و جامعه به وضوح شاهد هستیم که افرادی در موقعیت بحرانی که از سطح تمایز یافتگی پایین‌تری برخوردار باشند، از گریز عاطفی و یا مکانیزم مثلث سازی استفاده کرده و در پاره‌ای از مواقع روابط افراد را به خارج از چارچوب خانواده و یا خیانت سوق دهد. از سویی دیگر نیز افراد با سطح بالایی از تمایز یافتگی توانایی مقابله مؤثر با بحرانها را تجربه کرده و به رشد و بالندگی دست می‌یابند. با توجه به پژوهش‌های متعدد و نتایج آن‌ها مبنی بر این که سطح پایین تمایز یافتگی با اضطراب مزمن رابطه مستقیم دارد، و فرد به سمت هم آمیختگی گرایش پیدا کرده و به شدت نیازمند به تأیید و حمایت اطرافیان است، که رفتارهایی تحت تأثیر سیستم هیجانی محیط و واکنش اطرافیان شکل می‌گیرد. امکان دستیابی به سطح تمایز یافتگی آزمودنی‌ها با به کارگیری آزمون‌های مناسب سنجش اضطراب نتایج مطلوب‌تر به دست می‌آید. اضطراب پایین نشانگر سطح بالای تمایز یافتگی است، که افراد توانایی تفکیک بین کارکرد عقلانی و احساسی دارند. اضطراب کنترل نشده و بالا توانایی ارتباط مؤثر، حس رضایت زناشویی، شادکامی، سلامت جسمی و روانی زوجین را دچار اختلال نموده و موجب نارضایتی و مشکلات متعدد خواهد شد.

نتیجه‌گیری

به طور کلی یافته‌های پژوهش حاضر نشان دهنده پیش بینی پذیری رضایت زناشویی زنان متقاضی طلاق بر اساس مولفه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تمایز یافتگی خود بود. با توجه به اینکه طرحواره‌های ناسازگار اولیه به عنوان یک متغیر شناختی و نخستین در شکل‌گیری انتظارات و باورهای افراد درباره روابط صمیمی نقش مهمی ایفا می‌کنند، می‌توان با کاربست مداخلات و کارآزمایی‌های بالینی طرحواره‌های ناسازگار را کاهش داده و رضایت زناشویی زنان را ارتقاء بخشید و از به وجود آمدن بی‌دلیل طلاق پیشگیری نمود. از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به عدم استنباط رابطه علی به دلیل اجرای مطالعه همبستگی، عدم بررسی و تعیین کلیه شاخص‌های پیش بینی کننده رضایت زناشویی و عدم تعمیم نتایج به شهرها و فرهنگ‌های دیگر اشاره نمود. در نتیجه مطالعات آینده می‌بایست در تعمیم یافته‌های این مطالعه احتیاط لازم را به خرج دهند. بر اساس نتایج بدست آمده از پژوهش نیز پیشنهاد می‌شود که این پژوهش با حجم نمونه وسیع‌تر و بر روی دیگر گروه‌ها مجدداً اجرا شده و مطالعات آینده همراستا با این مطالعه به بررسی تعیین کنندگی سایر متغیرها در متغیر رضایت زناشویی بپردازند. همچنین پیشنهاد می‌شود که مطالعات آینده با الهام از یافته‌های این پژوهش در جهت طراحی و کاربست برنامه مداخلاتی مبتنی بر متغیرهای پیش بین در راستای ارتقاء شاخص رضایت از زندگی زنان دارای سطح پایین رضایت زناشویی اقدام نموده و زمینه کاهش طلاق را فراهم آورند.

سپاسگزاری

بدین وسیله، از شرکت کنندگان پژوهش و کلیه کارکنان مجتمع قضایی خانواده شماره ۲ شعبه ونک، مجتمع قضایی شهید صدر و مجتمع قضایی خانواده ۱ شهر تهران و کلیه افرادی که برای انجام این پژوهش با محققان همکاری کردند، کمال تشکر و قدردانی می‌شود.

بندی کلی که فیچنیم و بیچ (۲۰۰۰) نیز انجام دادند، عواملی را در رضایت زناشویی مؤثر دانسته‌اند که عبارتند از: عوامل شناختی، عوامل هیجانی و عاطفی، عوامل فیزیولوژیکی، الگوهای رفتاری، حمایت اجتماعی، خشونت، وجود فرزند، استرس، مهارت‌های ارتباطی و رابطه جنسی. از دید این پژوهشگران اولین عاملی که در رضایت زناشویی مؤثر است، عامل شناختی می‌باشد که وجود طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه به عنوان یک عامل شناختی اثرات به سزایی را در تبیین رضایت از زندگی برجای می‌گذارد [۳۵]. لذا این سازه شناختی را می‌توان به عنوان یکی از اصلی‌ترین پیش‌بینی کننده‌های رضایت زناشویی در زنان متقاضی طلاق دانست در نظر داشت. طبق بررسی‌ها و مشاهدات بالینی پژوهشگر نیز ملاحظه گردید که بسیاری از اعضاء گروه نمونه، در هنگام بحث در مورد عوامل پیش بینی رضایت زناشویی، برداشت‌ها، تفکرات و به عبارتی طرح‌واره‌های خود را دلیل اصلی پاسخ‌دهی به رفتارهای متقابل همسر و خانواده همسر عنوان می‌نمودند. به بیانی دیگر، از یک سو افراد دارای طرحواره‌های ناسازگار از راه حل‌های ناسازگانه و نامناسبی در تعاملات خود استفاده می‌کنند و از سوی دیگر نیز طرحواره‌های ناسازگار منجر به سوگیری در تفسیر رویدادها می‌گردد که این امر موجب آسیب در روابط بین فردی شده و در نتیجه آن عدم تفاهم و انتظارات غیر واقع بینانه در روابط پدید می‌آید.

بر اساس نظریه بوئن تمایز خود، جدایی هیجانی، شناختی و استقلال خود از دیگران را شامل شده و افراد در جریان فرد درک هویت خویش را کسب می‌کنند [۳۱]. لذا این تمایز از خانواده اصلی، آن‌ها را قادر می‌سازد تا مسئولیت افکار، احساسات، ادراک‌ها و اعمال خود را بپذیرند. به بیانی دیگر فرد تمایز یافته در برخورد با مسائل و مشکلات زندگی توانایی برخورد منطقی عقلانی را داشته و می‌تواند از برخورد با مسائل به صورت احساسی جلوگیری کند. بنابراین این گروه از افراد توانایی حل مسائل را به صورت مسالمت آمیز دارا می‌باشند. در نقطه مقابل افرادی که سطح تمایز یافتگی پایینی دارند، اضطراب بالاتر و آمیختگی بیشتری بین عقل و احساساتشان داشته و در روابط با دیگران دچار تنش‌های عاطفی می‌شوند [۳۶]. لذا با توجه به نظریه بوئن می‌توان گفت که زوج‌هایی که سطح تمایز یافتگی پایینی دارند در برخورد با مسائل و مشکلات زندگی توانایی تصمیم‌گیری عقلانی کمتری داشته و از طرفی این زوج‌ها به دلیل وابستگی به سیستم خانواده اصلی و تداخل میان دو سیستم دچار مشکلاتی می‌شوند که این خود باعث افزایش درگیری‌ها و مشکلات و در نهایت نارضایتی زناشویی می‌گردد [۳۷].

پژوهشگر نتایج به دست آمده را این گونه تحلیل کرده است که: زوج‌هایی که سطح بالایی از گریز عاطفی را دارند در برقراری ارتباط با یکدیگر مشکلاتی داشته و معمولاً در برخورد با مشکلات کناره‌گیری می‌کنند. تأیید این فرضیه بیان می‌کند که هرچه سطح گریز عاطفی زنان بیشتر بوده و هرچه راهبردهای نامناسب بیشتری را برای فرار از پیوندهای عاطفی حل نشده خانواده استفاده کنند، سطح رضایت زناشویی کمتری خواهند داشت. بدین معنی که استفاده از راهبردهای مقابله‌ای هیجان محور در این زمینه می‌تواند بستری را برای افزایش اختلافات فراهم نموده و در مراحل بحرانی زندگی با رخداد مشکلات جزئی زمینه اختلافات اساسی را موجب شود و احتمال طلاق و دلسردی و خیانت بین زوجین

References

- Gurman AS. Handbook Of Family Therapy: Routledge; 2014.
- Addelyan Rasi H, Jalali H. Social Support and Dyadic Adjustment Among Women Applicants for the Divorce. *QJ Soc Work*. 2016;4(4):5-16.
- Foy KM. Family and divorce mediation: an international comparison: University of Calgary; 2017.
- Morrison SC, Fife ST, Hertlein KM. Mechanisms behind Prolonged Effects of Parental Divorce: A Phenomenological Study. *J Divorce Remarriage*. 2017;58(1):44-63. doi: 10.1080/10502556.2016.1262652
- Latifian M, Arshi M, Alipour F, Ghaedamini Harouni G. Study on relationship of domestic violence with emotional divorce among married females in Tehran. *QJ Soc Work*. 2016;5(2):5-12.
- Isen A, Stevenson B. Women's education and family behavior: Trends in marriage, divorce and fertility. *Natl Bureau Econ Res*. 2010. doi: 10.3386/w15725
- Amato PR. Research on Divorce: Continuing Trends and New Developments. *J Marriage Fam*. 2010;72(3):650-66. doi: 10.1111/j.1741-3737.2010.00723.x
- Hoseini YSA, Mashhadi A, Kimiaee SA, Asemi Z. Effectiveness of Children of Divorce Intervention Program (CODIP) on externalized and internalized problems in children of divorce. *Fam Psychol*. 2015;2(1):3-14.
- Smock PJ, Manning WD, Gupta S. The effect of marriage and divorce on women's economic well-being. *Ame Soc Rev*. 1999;1:794-812.
- Yedirir S, Hamarta E. Emotional Expression and Spousal Support as Predictors of Marital Satisfaction: The Case of Turkey. *Educ Sci Theory Pract*. 2015;15(6):1549-58.
- Miller RB, Mason TM, Canlas JM, Wang D, Nelson DA, Hart CH. Marital satisfaction and depressive symptoms in China. *J Fam Psychol*. 2013;27(4):677-82. doi: 10.1037/a0033333 pmid: 23834363
- Khan F, Aftab S. Marital satisfaction and perceived social support as vulnerability factors to depression. *Am Int J Soc Sci*. 2013;2(5):99-107.
- Bayrami M, Fahimi S, Akbari E, Amiri Pichakolaei A. Predicting marital satisfaction on the basis of attachment styles and differentiation components. *J Fundam Ment Health*. 2012;14(1):64-77.
- Tuason MT, Friedlander ML. Do parents' differentiation levels predict those of their adult children? and other tests of Bowen theory in a Philippine sample. *J Couns Psychol*. 2000;47(1):27-35. doi: 10.1037/0022-0167.47.1.27
- Chung H, Gale J. Comparing Self-differentiation and Psychological Well-being between Korean and European American Students. *Contemp Fam Therap*. 2006;28(3):367-81. doi: 10.1007/s10591-006-9013-z
- Miller RB, Anderson S, Keala DK. Is Bowen theory valid? A review of basic research. *J Marital Fam Ther*. 2004;30(4):453-66. doi: 10.1111/j.1752-0606.2004.tb01255.x pmid: 15532253
- Long L, Young M. Counselling and therapy for couples 2nd Ed. : Belmont, CA; 2007.
- Young JE. Cognitive therapy for personality disorders: A schema-focused approach: Professional Resource Press/Professional Resource Exchange; 1999.
- Delattre V, Servant D, Rusinek S, Lorette C, Parquet PJ, Goudemand M, et al. Les schémas précoces dysfonctionnels : étude chez des patients adultes souffrant d'un trouble anxieux. *L'Encéphale*. 2004;30(3):255-8. doi: 10.1016/s0013-7006(04)95437-1
- Nilforooshan P, Navidian A, Shamohammadi M. Early maladaptive schemas and psychological health among Womens seeking cosmetic surgery. *Iran J Psychiatr Nurs*. 2015;3(1):12-23.
- Cecero JJ, Marmon TS, Beitel M, Hutz A, Jones C. Images of mother, self, and God as predictors of dysphoria in non-clinical samples. *Pers Indiv Differ*. 2004;36(7):1669-80. doi: 10.1016/j.paid.2003.06.013
- Young JE, Klosko JS, Weishaar ME. Schema therapy: A practitioner's guide: Guilford Press; 2003.
- Rostami M, Abdi M, Heydari H. An investigation of the types of abuse in childhood with forgiveness, mental health and coping strategies of married individuals living in Tehran. *J Res Psychol Health*. 2014;7(4):31-40.
- Beck AT, Emery G, Greenberg RL. Anxiety disorders and phobias: A cognitive perspective: Basic Books; 2005.
- Stiles O. Early Maladaptive Schemas and intimacy in young adults' romantic relationships. San Francisco: Alliant International University; 2004.
- Raes Alsadati S, Nazarboland N, KhoshKonesh A. The Study of the Relation of Early Maladaptive Schemas and Differentiation with the Extent of Marital Adjustment. *Middle East J Disabil Stud*. 2016;6:28-35.
- Belyad M, Nahidpoor F, Azadi s, Yadegari H. The role of family of origin in differentiation of self and marital conflicts. *J Nurs Educ*. 2014;2(2):81-91.
- Fowers BJ, Olson DH. ENRICH Marital Satisfaction Scale: A brief research and clinical tool. *Journal of Family Psychology*. 1993;7(2):176-85. doi: 10.1037/0893-3200.7.2.176
- Fowers BJ, Olson DH. Enrich marital inventory: a discriminant validity and cross-validation assessment. *J Marital Fam Ther*. 1989;15(1):65-79. doi: 10.1111/j.1752-0606.1989.tb00777.x pmid: 21118433
- Asoodeh MH, Khalili S, Daneshpour M, Lavasani MG. Factors of successful marriage: Accounts from self described happy couples. *Soc Behav Sci*. 2010;5:2042-6. doi: 10.1016/j.sbspro.2010.07.410
- Skowron EA, Friedlander ML. The Differentiation of Self Inventory: Development and initial validation. *J Counsel Psychol*. 1998;45(3):235-46. doi: 10.1037/0022-0167.45.3.235
- Ascian P, Sanaee zaker B, Navabi nejad S. Study of the effect of psychodrama on the increase of differentiation of the individual from the main family in high school girl students in district 5 of Tehran. *Couns Res*. 2008;2(25):27-42.
- Rahimpour F, Salehi SY, Hoseinian S, Abasiyan M. Explanation of couples' marital satisfaction based on spiritual intelligence and early maladaptive schemas. *Educ Adm Res*. 2013;4(15):77-90.
- Fatehizadeh MA. Normalized The short form of schema test on Students of Isfahan University. *Isfahan Isfahan Universit*; 2003.
- Kumagai F. Late-Life Divorce in Japan Revisited: Effects of the Old-Age Pension Division Scheme. *Family Issues on Marriage, Divorce, and Older Adults in Japan* 2015. p. 119-37.

36. Baum N, Shnit D. Divorced Parents' Conflict Management Styles. J Divorce Remarriage. 2003;39(3-4):37-58. [doi: 10.1300/J087v39n03_02](https://doi.org/10.1300/J087v39n03_02)
37. Peleg O. The Relation Between Differentiation of Self and Marital Satisfaction: What Can Be Learned From Married

People Over the Course of Life? Am J Fam Therap. 2008;36(5):388-401. [doi: 10.1080/01926180701804634](https://doi.org/10.1080/01926180701804634)